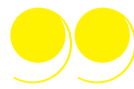


این سریال حتی در سفسطه بازی هایش در تاریخ خوانی خود مبارزان انقلابی را شمایی کمونیستی می دهد تا وراي درام بازیهایش برای یک جدال تاریخی سندسازی کند



نگاهی بر پیدا و پنهان سریال «رهايم كن» سایه روشن های حاشیه روی سريک سريال شبکه نمايش خانگی



ساترا، نهادی متعلق به صداوسیما که بر سریال های شبکه نمايش خانگی نظارت می کند، رسیده، تا جلوی قانون گریزی فیلمو گرفته شود. نامه نگاری که مسيرش تا همینجا تعریف شده و ادامه آن که نحوه اجرایی شدن را تبیین می کند هنوز نوشته نشده و نباید توقع بی جا از ساترا داشت.

وقتی دست ارگان های مسئول نظارت به جایی نمی رسد قرار است پوشش های مردمی دست به کار شوند تا با درخواست بازنگری در ادامه پخش سریال «رهايم كن» خواستار توقف ترویج بی بندوباری رها شده و پخش گفت و گوهای سخیف بین هنرپیشه های هنجارشکن و خواهان برخورد قاطع با این رسانه و جلوگیری از ادامه پخش و حذف این سریال شوند.

به تازگی تهیه کننده این سریال نسبت به ممیزی های وارد شده به این سریال می گوید: «در نمايش خانگی مخاطب پول می دهد و اثری را که می خواهد انتخاب کرده و اجرا می بیند. بنابراین نوع نگاه و اجرا نیز باید متفاوت از تلویزیون باشد.» تفاوتی که محتوای نامناسب و ضد ارزشی و خارج از شئون اخلاقیات را استاندارد فرهنگی در لوی سینمای خانگی تلقی می کند و معلوم نیست که نسل نو ظهور امروز در میان این همه دو رویی رفتاری چگونه باید خود را پیدا کند. آشفته بازاری که بعد از بروز هر بحران اجتماعی به دنبال ریشه های آن می گردیم، دریغ از آنکه به سادگی هر روز از کنار آن درآمده بیشتر نادیده گرفته ایم.

در حالی که مردم بیشتر توجه خود را صرف آثاری می کنند که با اصول ارزشی و اخلاقی شان فاصله دارد و تنها سودهای کلان را به جیب سازندگانش وارد می کند، واضح است که سرمایه گذاران فیلم نیز از خواست مردم تبعیت کرده و عملاً جریان فیلمسازی کشور را به سمت این دست از فیلم های می کشاند که نه کشانده اند.

مبارزان آن دوره عنوان می کند و اینکه قرار نیست تمام قصه ها بر اساس واقعیت باشد. این تهیه کننده در حالی مدعی یک برداشت آزاد در دل دهه ۵۰ است که در بخشی دیگر از صحبت های خود اذعان می کند که او تاریخ را از دل روایت مردمانی که در آن زیست کرده اند روایت کرده، داستانی که به گفته او برای نسل امروز که از گذشته هیچ نمی داند جذاب است. این تهیه کننده و نویسنده پر کار این روزهای سینمای خانگی مشخص نمی کند که بالاخره این فیلم تاریخ ایران است یا برداشت آزادی از داستان زندگی چند نفر که در آن دوره زیست می کرده اند. مخاطب جوان دقیقاً باید چگونه تاریخ نوستالژی خود را بشناسد؟ به آن صورتی که بوده یا به آن شکلی که فیلم رهايم كن برایش تعریف می کند.

ساترا و بی قانونی های دنباله دار شبکه نمايش خانگی

اگر گمان کرده اید که با تمام این عبور از خط قرمزها و شکایت پر دامنه هیچ ارگان نظارتی اقدامی نکرده، سخت اشتباه کرده اید. مرداد ماه سال پیش به محض مشخص شدن پخش بدون مجوز این سریال و فرار از اصلاحاتی که ساترا مشخص کرده بود سریعاً نامه ای به فیلمو ارسال شد در این برهه که به امضای مهدی سیف، مدیر کل نظارت و تطبیق

فرزندان با پدر پیش می رود. اگر این فرار رو به عقب و روی آوردن به گذشته را راهی برای به تصویر کشیدن ممنوعه ها و فرار از خط قرمزها بدانیم براهه نرفته ایم هر چند این بازی با نوستالژی یک روی دیگری هم دارد که کمتر مورد توجه بوده است. با مرور سن انقلاب و چند نسلی که این نظام عوض کرده تا به چهل و چند سالگی اش برسد نشان می دهد که بخش اعظمی از جمعیت ایران به خصوص آنهایی که قرار است تا پرچمدار این نظام باشند چیزی از آن روزها به یاد ندارند و این سفر به تاریخ است که ذهنیت مخاطب شما را می سازد، معادله ای که سریال رهايم كن ترجیح داده تا با عبور از حقایق آن روزها، دنیایی از ابتذال خوش رنگ و لعاب را به تصویر بکشد، تصویرسازی که پهلوی را در پس ذهن مخاطبش خوش قامت جلوه می دهد. ابتدالی که در خانواده «نایب سیاهرود» به عنوان نماد جامعه ایرانی خود نمایی می کند.

این سریال حتی در سفسطه بازی هایش در تاریخ خوانی خود مبارزان انقلابی را شمایی کمونیستی می دهد تا وراي درام بازی هایش برای یک جدال تاریخی سندسازی کند، سندسازی که تهیه کننده از آن به عنوان یک برداشت آزاد از

هر چند فیلم درام جذابی دارد اما فیلمنامه توانسته به درستی از پس قصه خود برآید و در هدایت خرده داستان های خود پرداخت درستی ندارد. مثلاً مخاطب هنوز نمی داند حاتم در کشته شدن عبدالله نقش داشته یا خیر، همچنین شخصیت یونس و دوستانش در حد تیپ باقی می ماند و سریال پرداخت درست و دقیقی از سیر مبارزاتی و هدف آنها ندارد. در حقیقت این اثر یک ایده کلی است که جزئیاتش پرداخت نشده است و شاید تنها یک نقطه قوت مهم دارد و آن بازی بازیگرانش است که هر کدام در جایگاه خود بهترین های خود را ارائه کرده اند و همین کیفیت سریال را بالا برده تا با نادیده گرفتن ضعف های فیلمنامه ای هر هفته برای دیدن آن منتظر بمانند.

تاریخ به روایت فیلمو

داستان سریال «رهايم كن» روایتش را بر بستر دهه ۵۰ شمسی پهن کرده است. سفری که به گفته تهیه کننده آن مجید مولایی به سفارش فیلمو صورت گرفته است. همیشه در پس سفر به تاریخ انگیزه های مختلفی وجود دارد اما آنچه از آن به عنوان منطبق یاد می شود، نمايش اوضاع سیاسی، اجتماعی آن برهه از تاریخ است که برای جلب مخاطب، در دل یک درام جذاب روایت می شود اگرچه صرف هزینه های هنگفت برای بازسازی آن دوران کار باطل و بی-منطقی است. اگر با این نگاه به فیلم رهايم كن توجه کنیم جز صحنه پردازی خوب فیلم، اثری از شرایط سیاسی، اجتماعی دهه ۵۰ وجود ندارد و حتی در نمايش نظام ارباب - رعیتی پرداخت درستی صورت نگرفته است و ما روایتی از اضمحلال پدرسالاری در دوران فئودالیسم از درون خانواده می بینیم که به واسطه اختلاف میان فرزندان با یکدیگر و

معادلاتی به هم بخورد و یا معادله جدیدی شکل بگیرد. سریال رهايم كن قصه عشق و عاشقی های رنگ و وارنگ است که این بار در یک ترکیب جدید میان دو برادر شکل گرفته است. هر چند داستان عشق، یک قصه ای قدیمی است اما در هر اندازه ای که روایت شود، همواره برای مخاطب احساسی ایرانی جذابیت دارد، به خصوص اگر این مثلث عاشقانه در نهایت به سمتی که مخاطب می خواهد بچرخد.

موضوعی که سبب شده تا سازندگان نمايش خانگی به خصوص پلتفرم ها به سمت ساخت آثاری این چنینی گرایش پیدا کنند و عملاً خلاقیت جای خود را به پروژه های سودآوری داده که هیچ نبوغ و دستاوردی در آنها یافت نمی شود. محتوایی که قرار نیست برای خانواده ها آورده ای داشته باشد، آورده که این روزها یک زیاده خواهی بی منطق از شبکه نمايش خانگی محسوب می شود. شاید یافت توقع این باشد که محتوای سریال های این رسانه پر مخاطب، ارزش های اخلاقی خودشان را گم نکنند. اتفاقی که این روزها پلتفرم فیلمو با همین دست فرمان سفارش سازی سریال های نمايش خانگی محتوا را به ناکجا آباد برده است.

اگر فیلم رهايم كن را همراه مخاطبانش به دو قسمت تقسیم کنیم دسته موافقان در کنار داستان درام و جذاب آن می ایستند که مجید مولایی آن را نگاهشده و شهرام شاه حسینی به پشتوانه کارهای موفقی هم چون «می خواهم زنده بمانم» آن را کارگردانی کرده است و در یک روایت موازی از عشق، حسد و شاید سیاست در بستر مسائل اجتماعی می گوید و در دسته مقابل، مخالفان این سریال اند که نسبت به لایه های زیرین تر، آن را به نقد می کشند. انتقاداتی که دست اشاره آنها به سمت سفارش دهندگان آن یعنی فیلمو گرفته شده است.

هائیه شجاعی زند

نویسنده

این روزها اگر از بینندگان سریال های نمايش خانگی برای ملحق شدن به فیلم های پر مخاطبشان بپرسی فیلم «رهايم كن» را پیشنهاد می دهند. فیلمی به کارگردانی شهرام شاه حسینی و تهیه کنندگی مجید مولایی که به سفارش پلتفرم فیلمو ساخته شد است. سریال سفارشی که به گفته تهیه کننده آن به خواست سرمایه گذاران آن یعنی فیلمو داستان خود را از زمان حال به پیش از انقلاب برده است. سریالی که احتمالاً به درخواست صاحبان اصلی اثر متحمل ملحقات دیگری هم شده که از این نظر نمی توانیم این فیلم را تنها به مجید مولایی و شهرام شاه حسینی نسبت دهیم. سریالی که این روزها در فضای رسانه ای توجه مخالفان و موافقان زیادی را جلب کرده که این تفاوت در دیدگاهها حکایت از سریالی چند لایه می دهد که سبب شده هر کس از پس زاویه نگاه خود آن را نقد کند.

لایه اول این سریال داستان جذاب خانواده سرشناس «نایب سرخی» ساکن سیاهرود است که هر نفر از اعضای این خانواده، داستانی دارند و توانسته اند هر کدام مخاطبان خاص خود را جذب کنند و داستانی که خلاقیتش در طراحی صحنه و فضا سازی های قصه خود نمایی می کند اگرچه که قصه همان کلیشه همیشگی است. داستان عشق و عاشقی های مثلثی که با خیانت و تجاوز طعم دار شده تا ولع مخاطبان را دو چندان کند و در کنار آن سه ضلعی از ترس، دروغ، طمع شکل داده شده است تا مخاطبانی که در فراغ بال برای پر کردن اوقات فراغت خود تن به حس و حال عاشقانه سریال داده اند در یک تفریح فرح بخش در دل داستانی در دهه ۵۰ سفر کنند تا در پس این خلسه عمیق در عمق ذهن شان،



داستان سریال

«رهايم كن»

روایتش را بر بستر

دهه ۵۰ شمسی

پهن کرده است.

سفری که به گفته

تهیه کننده آن مجید

مولایی به سفارش

فیلمو صورت گرفته

است. همیشه در

پس سفر به تاریخ

انگیزه های مختلفی

وجود دارد اما آنچه

از آن به عنوان

منطق یاد می شود،

نمايش اوضاع

سیاسی، اجتماعی

آن برهه از تاریخ

است که برای جلب

مخاطب، در دل

یک درام جذاب

روایت می شود

